

در این دوره نبرد نمادین بزرگی میان بهترین‌ها و بدترین‌های تاریخ بشریت رخ می‌دهد و در آن جبهه حق فائق می‌شود. علاقه‌مندان درباره دوره رجعت و ویژگی‌های و اتفاقات مربوط به آن باید به آثار ارزشمندی که به قلم بزرگانی چون علامه مجلسی، آیت الله طیبسی (ترجمه میرشاه ولد) و... و نیز ویژه نامه «رجعت» ماهنامه موعود که چندی پیش منتشر شد مراجعه نمایند.

۱۹. مقدمات قیامت

همان طور که خلقت در شش مرحله و به تعبیر قرآن کریم شش روز اتفاق افتاد پایان خلقت خاکی نیز طی چند مرحله خواهد بود. پس از وفات آخرین حجت الهی بنا بر برخی روایات چهل روز جهان در نوعی ابهام و سردرگمی طی طریق خواهد نمود. در پی دمیدن اول اسرافیل در صور خویش، ابتدا همه انسان‌ها می‌میرند و دیگر موجودات نیز جان خویش را از دست می‌دهند. جان همه را عزرائیل و جان او را اسرافیل می‌گیرد و او نیز با اراده الهی می‌میرد و طی مدتی خداوند تنها حی عالم خواهد بود. پس از آن خداوند اسرافیل را زنده نموده و او مجدداً در صور خویش می‌دمد و همه خلایق از اول تا آخر زنده می‌شود و صحنه قیامت برپا می‌شود. پرداختن به موضوع قیامت به خصوص با رویکرد مهدوی مجالی بسیار مفصل می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

۱۸. رجعت



دوره رجعت که در منابع گاه از آن به عنوان ضروریات مکتب تشیع یاد می‌شود دوره‌ای است که اطلاعاتی بسیار اجمالی درباره آن به دست ما رسیده است. با استفاده از مبانی و مستندات قرآنی و روایی متعددی می‌توان اجمال مربوط به دوره رجعت را اثبات نمود اما درباره جزئیات این دوره طولانی مدت که در روایات گفته شده هر کس نوه هزارم خویش را می‌بیند و سیدالشهدا (ع) چنان عمر می‌کند که ابروهای ایشان روی چشم‌هایشان می‌افتد^{۴۸} نمی‌توان با قطعیت صحبت نمود. امام حسین (ع) اولین رجعت کننده است که به تدفین امام عصر (ع) می‌پردازند. پس از ایشان حضرت امیر (ع) و رسول اکرم (ص) نیز به دنیا باز میگردند. بنابر روایات متعدد منظور از خروج «دابه الارض» که مربوط به این دوره دانسته شده همان رجعت امیرالمومنین (ع) است^{۴۹} و دیگر گزارش‌ها چندان قابل اعتنا و لحاظ کردن نیستند.^{۵۰}

آقای ثانی‌ها!

آیا از سرزمین یاس‌ها آمده‌ای که عطر نفس‌هایت از فرسنگ‌ها جانمان را می‌نوازد؟! یا از سرزمین آیین‌ها آمده‌ای که صداقت در کلامت موج می‌زند...؟! چشمان پرگناه ما هرگز تو را ندید. اما با قلبمان تو را همیشه احساس می‌کنیم. سالله زهر!

از دل‌تنگی زیاد گفته‌ایم و زیاد شنیده‌ای اما مسئله این است آیا باور کردنش برایت آسان است یا دشوار!

آقای لحظه‌های پرتلهاب من!

جهان در پشت میله‌های زندان «چه کنم» گرفتار است و زمین با همه وجود خود «ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس» را احساس می‌کند.

مهربان تر از باران!

کودکان فقیری را در سرزمین‌های غنی غارت شده بارها دیده‌ام که حتی

نوزادانی را که سال‌ها در انتظارشان بوده‌اند می‌فهمم. من چنگال‌های بی‌رحم نامردان عالم که بر جوانی جوانان ما چنگ می‌اندازد را می‌بینم.

من قلم‌هایی را که تو را افسانه می‌خوانند می‌دانم.

باور افلاکی من!

انگار هنجرة هنجارهای اسلام را غبار حرص و غفلت مسلمان آزار می‌دهد و من هنوز هم متحیرم که خدا چقدر صبور است!

شاهد دادگاه عدل!

بگذار تا اعتراف کنم که اگر به اندازه جرع‌ای عاشقت بودیم می‌آمدی. نیستیم که نمی‌آیی...

حکومت عشق در مملکتی علم می‌شود که مردمش عاشق باشند؛ آری ما فقط عاشقی را «شعار» داده‌ایم و بس.

مهربانان! مگذار تسبیح نگاهمان از فرط جدایی دانه دانه شود...

اللهم بلغ مولانا الإمام الهادی المهدی (عج)

به اندازه یک نفس کشیدن به آینده امیدی ندارند. فرزندان که از درد لاغری و گرسنگی به سادگی می‌شود دنده‌های نازک آنها را شمرد.

عزیز فاطمه!

من مادرانی را دیده‌ام که فرزندان خود را در قنداقه‌ای پر از گل‌های سرخ می‌پیچند اما به جای گهواره آنها را در گوری سرد می‌نهند و به جای لالایی نشید زار می‌خوانند.

آقای پر از احساس!

من آوارگان پر از خاک و نیاز را که به هزاران بیم و امید به سرزمین‌های همسایه می‌گریزند و از مرگ به سوی تحقیر می‌شتابند را بارها دیده‌ام.

تنهاترین مرد خدا!

من عروسک‌های بچه‌های همسایه (فلسطین) را که چشمانش خون و دست‌هایش تیغ آتش است که می‌بینم از عروسک‌های مخمل خودم می‌ترسم. من تازه عروسان بیوه شده و عمر یک روزه